

SUR LA BASE DE L'OEUVRE
DE DJALÂLODDÎN RÛMÎ),
France, Presse Universitaires Du
Septentrion, 1996, Pages: 392.

مقدمه

"از دور بسینی تو مرا شخص رونده
آن شخص خیال است، ولی غیر عدم نیست"

مولوی

"جست وجوی هویت در شعر عرفانی
فارسی؛ برخورد روانشناختی با پدیده
هویت در آثار مولوی" عنوان رساله دکتری
علی شریعت کاشانی است که در ماه آوریل
۱۹۹۶ میلادی در دانشگاه ژوسیو (پاریس
۷) در جلسه هیأت علمی داوران به ریاست
استاد شارل هانری دو نوشه کور (متخصص
در ادبیات پارسی سنتی) و در حضور استاد
پل لوران آسون (فیلسوف، روانکاو و
متخصص آثار فروید) و استاد گابریل سعه
(روانکاو و متخصص در ادبیات تطبیقی) با
موفقیت دفاع شد و بالاترین درجه
ارزشگذاری را به خود اختصاص داد.
دانشگاه ژوسیو این رساله را با همان عنوان
در سال ۱۹۹۶ میلادی توسط انتشارات

نقد و معرفی کتاب:

جست وجوی هویت در شعر

عرفانی فارسی؛ برخورد

روانشناختی با پدیده هویت

در آثار مولوی

Ali Shariat Kashani, "LA
QUETE DINENTITE EN POESIE
MYSTIQUE PERSANE
(APPROCHE PSYCHOLOGIQUE

سپتاریون در ۳۹۲ صفحه به چاپ رساند و آن را به بازار کتاب عرضه کرد.

الف) معرفی کتاب

این کتاب علاوه بر یک دیباچه ۳۵ صفحه‌ای (مقدمه و روش‌شناسی)، متشکل از هشت بخش و هر بخش آن شامل چند فصل به شرح زیر است:

بخش یکم: مفهوم "هویت" در تفکر فلسفی باختر زمین

فصل نخست: تعریف و جایگاه مفهومی هویت از زمان ارسطو تا به امروز
فصل دوم: نقد فلسفی مفهوم هویت:

- ۱- دیوید هیوم و سرشت انتزاعی - تجریدی مفهوم "هویت شخصی - انفرادی"
- ۲- رابطه متقابل "لحظه" (یا تواتر لحظات زمانی) و استمرار احساس و تصور "هویت" در نظر هانری برگسون و گاستون باشلارد.
- ۳- ژرژگورویچ و نقد دیالکتیکی "شعور دست‌جمعی" و نظریه "هویت".

بخش دوم: چگونگی جایگاه مفهوم "هویت" در نظریه روانکاوی

فصل نخست: ابهام در مفهوم "هویت" در ادبیات روانکاوی پس از فروید - نمونه‌ای از نابهنجاری‌های موجود در

"روانشناسی تحلیلی" اریکسون:

۱- کوشش در جهت ادغام نارسای مفاهیم مربوط به "روانشناسی من" در مفهوم "هویت".

۲- ارزشگذاری بیش از اندازه "من" و اهمیت دادن بیش از حد به "استقلال" و "تمایز" آن.

۳- فرجام‌پندارگونه نظریه اریکسون.
فصل دوم: تصور "هویت" در روانکاوی فروید:

- ۱- هویت ادراک و تصور
- ۲- هویت اندیشه
- ۳- نسبت مفهوم "هویت" به اعتبار پیوستگی اجتناب‌ناپذیر آن به مفهوم "ناخودآگاه".

بخش سوم: تاریخ افسانه‌ای - مذهبی ایرانی و جست‌وجوی "هویت"

فصل نخست: افسانه انسان نخستین (وهومنه، کیومرث) و جست‌وجوی "هویت" در سپیده‌دم زمان

فصل دوم: جست‌وجوی هویت و تصور سرزمین نخستین (ایران و یج) در اوستا.

بخش چهارم: جست‌وجوی "هویت" در جهان‌بینی ایرانی - اسلامی و در بینش انسان‌گرای جلال‌الدین محمد مولوی

فصل یکم: جست‌وجوی "هویت" در

۳- تعالی‌یابی نهایی "عشق" و تحقق احساس "هویت".

بخش پنجم: جست‌وجوی "هویت" به‌عنوان واکنشی در برابر اشکال بیمارگونه "من"؛ دو نمونه گویا از مثنوی

۱- از خودبیگانگی روانی - وجودی و از میان رفتن وحدت و انسجام "هویت".

۲- پندارها و تأثیر آشوبگرانه آنها در ادراک و شناخت و در تصور و احساس "هویت" و "منیت"

۳- دوگانگی شخصیتی و از میان رفتن احساس و تصور "هویت".

بخش ششم: جست‌وجوی هویت در فضای خیال عرفانی - شاعرانه (از سنایی تا مولوی) از نمادین‌سازی "من" و "غیرمن" تا شباهت‌سازی رفتاری - هویتی میان "من" و "من برتر"

فصل یکم: مفهوم روانشناختی تصویرهای شاعرانه و ارتباطشان با "هویت" و "منیت".

فصل دوم: ارتباط متقابل و تداخل ابعاد زمانی - مکانی تصویرهای شاعرانه و ابعاد زمانی - مکانی "هویت" و "منیت".

بخش هفتم: جست‌وجوی "هویت" و تجربه "بدن" و "فضا" در شعر مولوی

اندیشه فلسفی و "حکمت اشراقی":

۱- مفهوم "هویت" در فلسفه ایرانی - اسلامی.

۲- "هویت" در جهان‌بینی عرفانی - اشراقی ایرانی.

۳- جستار "هویت" در روند "سیر و سلوک باطنی".

۴- جستار "هویت" و نقش فعال تخیل آفریننده در تصور "منیت".

۵- بازتاب جستار "هویت" در ادبیات تمثیلی "کشف‌الاشراق"

- در حکمت‌المشاء ابن سینا.

- در حکمت‌الاشراق شهاب‌الدین یحیی سهرودی (شیخ‌الاشراق)

- در اندیشه عرفانی - شاعرانه مولوی

فصل دوم: باستان‌شناسی عرفانی "من"، "منیت" و "هویت" در عرفان ایرانی - اسلامی و در نظریه مولوی:

۱- "من"‌های سه‌گانه و استحاله‌یابی و کمال‌گرایی آنها:

الف) "نفس اماره" یا "من سرکش"

ب) "نفس لوامه" یا "من سرزنش‌کننده"

ج) "نفس مطمئنه" یا "من برین"

۲- تصعیدیابی "عشق انسانی" در روند جستار "هویت".

ارزشگذاری‌ها و معیارهای ذهنی و انتزاعی صورت گرفته است. بیان ابهام‌های موجود در مفهوم "هویت" و تعبیر ناسازگار از "هویت‌جویی" و کمبود یک تعریف قانع کننده از آنها، نخستین انگیزه آقای شریعت برای تهیه و اقدام این پژوهش بوده است.

۲- انگیزه دیگر وی مربوط به پاره‌ای از رویدادهای نگران کننده روزگار ماست. گرایش‌های فردی یا گروهی به سوی اشکال انحرافی عرفان، فرقه‌گرایی، بنیادگرایی دینی اعتقادی، نژادپرستی، قوم‌گرایی تعصب‌آمیز، ملیت‌گرایی کورکورانه و پاک‌سازی‌های قومی که به ویژه در مغرب زمین از روزگار هیتلر تا به امروز شاهد آنیم، اغلب در رابطه با تصور "هویت" و انگیزه "هویت‌جویی" می‌باشند، و یا، در مواردی، عمده‌با این دو پدیده در ارتباط گذاشته می‌شوند. نتایج شومی که از این موارد حاصل می‌شوند، نویسنده را بر آن داشت تا چگونگی رابطه میان تعصبات قومی، نژادی و عقیدتی را در ارتباط با "هویت" و "هویت‌جویی" مورد تجزیه و تحلیل روانشناختی قرار دهد. در این مورد کوشش نویسنده براین بوده است تا رابطه میان انگیزه‌های ناخودآگاه، کمبودهای روانی، سرخورده‌گی‌های عاطفی و توهمات

۱- مفهوم روانشناختی - هویت، حرکت دوار بدن در فضا: "رقص سماع".
 ۲- فضای موسیقایی مجالس سماع و بازتاب آن در "منیت" فراگیر عارف رقصنده.
 ۳- سماع، آفرینش شاعرانه و جستار "هویت".

بخش هشتم: رابطه انگیزه شناخت امور شگفت با جست‌وجوی "هویت" و بازتاب چشمگیر این رابطه در داستان "سه شاهزاده و قلعه" هوش رُبا (قلعه ذات‌الصور)، در مثنوی، دفتر ششم

ب) اهداف و انگیزه‌های تالیف کتاب

۱- آن‌چه امروزه، چه در غرب و چه در شرق، به‌عنوان "هویت" و "جست‌وجوی هویت" می‌نامند و آن را واحد ویژگی‌های مستقل و منحصر به فرد و قابل تشخیص می‌دانند، از ارتباطات پیچیده انسانی و عوامل عاطفی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی فراوان خبر می‌دهد. به علت این پیچیدگی و چندگانگی عوامل، تاکنون تعریف جامع و قانع کننده‌ای از هویت به دست داده نشده است و تعاریف موجود اصولاً بر پایه خواست‌های عاطفی، آرمان‌های فردی و اجتماعی و یا

میراث فرهنگی، ادبی و اعتقادی مسلمان شرق به کارگماشت تا با استفاده از اطلاعات و دانش اکتسابی آنان به مردمی که در چارچوب "امت" گرد آمده بودند، تسلط یابد. چه خوش گفت ناصرخسرو:

«چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر

برد کالا.»

با مرزبندی‌های موضوعی میان محیط‌های زیست این مردم، غرب از یک سو "دوستانی وفادار" برای خود پیدا کرد و از سوی دیگر با از بین بردن پدیده سنتی "امت" و با برافراشتن پرچم "هویت ویژه" برای هر یک از آنان در تشدید قوم‌گرایی، نژادپرستی و ستیزه‌جویی در شرق مسلمان از هیچ کوششی فروگذار نکرد. برای مثال در مسورد ایران نوشته‌های کسانی چون دوگوبینو شاهدی براین امر است. موضوعی که امروزه در قالب استعمار فرهنگی و به اشکال غلط‌انداز هم‌چنان در لوای دیگری ادامه دارد. به گفته مولوی:

«هر لحظه به شکلی بت عیار

برآمد، دل برد و نهان شد.»

در این روند ناخجسته غرب کار را به

و پندارهای فردی و گروهی را در ایجاد تصور و یا احساس "هویت" فردی و یا گروهی نشان دهد.

۳- در جهان ایرانی - اسلامی، "هویت" گرایی در اشکال نوین آن، ریشه در مطامع استعماری و سیاست جهان‌خواری مغرب زمین دارد. طی سده‌های اخیر، غرب با تسلط برگستره فرهنگی و جغرافیایی شرق، از جمله دنیای ایرانی - اسلامی، و با از هم گسستن روابط انسانی مردم این دیار، موفق شد سیاست استعماری خود مبنی بر شعار "از هم جدا کنید تا سیادت کنید" (تفرقه بیانداز و حکومت کن) را اعمال کند. در همین رابطه، غرب در تحقق آرزوی دیرینه خود، که همانا از میان بردن پدیده "امت" و پیوند فرهنگی و انسانی میان توده‌های مسلمان و یا اسلامی بود، تا حدود زیادی به پیروزی رسید. به دنبال این از هم‌پاشیدگی، از جمله راه‌هایی را که غرب در جهت استیلای جهانی خود در پیش گرفت، شناخت زمینه فرهنگی سرزمین‌های مورد علاقه او بود. این چنین است که هم‌زمان با اعمال سیاست نظامی، عواملی را در لباس "شرق‌شناس" ^۱ و "ایران‌شناس" در جهت شناخت "روانشناسی جمعی" و ارزیابی

خود، پیوسته در جست‌وجوی یک "هویت" کامل و قاهر و در تکاپوی یک جایگاه وجودی ابرمردی بوده است. ادبیات سنتی یک ملت از جمله زمینه‌هایی است که از طریق آن می‌توان به بررسی ریشه‌های فردی و اجتماعی این سابقه پرداخت. در این رابطه، مؤلف آثار منظوم جلال‌الدین مولوی رومی را انتخاب کرده است و سعی دارد نشان دهد که شعر عرفانی در ایران، به‌ویژه در نزد مولوی، بهترین زمینه برای دریافت چگونگی مفهوم "هویت" و جست‌وجوی آن می‌باشد.

چ) محتوای کتاب

با تأملی در آثار مولوی درمی‌یابیم که آن‌چه امروزه "هویت" نامگذاری کرده و بدان دل خوش داشته‌اند، مفهوم خود را سراپا از دست می‌دهد، تنها چیزی که باقی می‌ماند "جست‌وجوی هویت" می‌باشد و اینکه این جست‌وجو سرانجام نه تنها سر از دنیای "هویت" در نمی‌آورد، بلکه خود را به صورت یک تلاش توهم‌آمیز و آمیخته از پندار آشکار می‌کند. انسان‌ها وجود فردی و جسمی خود را بدان‌گونه که ذهنیت و تمایلاتشان ایجاب می‌کنند، حس می‌کنند

جایی رسانید که مردم هم‌جوار مسئولیت محرومیت‌های تاریخی خود را به گردن یکدیگر انداختند، به نام "هویت ملی" و "هویت میهنی" و به بهانه حراست از ویژگی‌های اعتقادی، به کینه‌توزی با یکدیگر و جدایی‌طلبی برخاستند، مرزهای جغرافیایی مصنوعی و تحمیلی خود را بسان مرزهای قلمرو "هویت" خود به حساب آوردند، مسائل سیاسی، تجاری و اختلافات ارضی را با احساسات جمعی خود درهم آمیختند و این چیزی است که در روزگار ما هم چنان ادامه دارد. بدبینی بخشی از پیشینه کارنامه ناخجسته چیرگی غرب بر شرق است و در این راه چه خون‌ها که ریخته نمی‌شود. مطالعه و شناخت ریشه‌های سیاسی و استعماری "هویت" ستایی در ایران عامل دیگری است که علی شریعت را به تهیه این پژوهش برانگیخته است.

۴- پدیدۀ "هویت" ستایی و "هویت‌جویی" در اشکال ابتدایی‌شان، چه در ایران و چه در جهان، سابقه طولانی دارند و این امر نشان دهنده ریشه‌های روانی و ناخودآگاه کمبودهای "انسان درونی" است. انسانی که از ماقبل تاریخ تاکنون و در چارچوب شرایط قومی، اقلیمی و تاریخی

نمی‌شناسد، می‌گوید:

از خانه برون رفتم، مستیم به پیش آمد
در هر نظرش مضمهر صدگلشن و کاشانه
گفتم: ز کجایی تو؟ تسخر زد و گفتا: من
نسیمیم ز ترکستان، نسیمیم ز فرقانه
نسیمیم ز آب و گل، نسیمیم ز جان و دل
نسیمیم لب دریا، نسیمی همه دردانه
گفتم که رفیقی کن یا من که منم خویشت
گفتا که نشناسم من خویش ز بیگانه به
و باز هم چنین می‌گوید:

"از جمادی مُردم و نامی شدم
از نما مُردم، ز حیوان سرزدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم؟
جمله دیگر، بمیرم از بشر
تا برآرم از ملایک نزو سر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو
کل شی هالک الاوجه
بار دیگر از ملک پَران شوم
آن‌چه اندر وهم ناید آن شوم ...
همچون نیلوفر بسرو زین تر جو
هم چو مستقی حریص و مرگ جو"
در همین رابطه، نویسنده برای درک بهتر
مفهوم "هویت" به آثار مولوی می‌پردازد: با
تأملی در آفاق شاعرانه و اندیشه‌های ظریف

و این احساس ذهنی مملو از پندار و تمایل
را "هویت" می‌نامند. انسان‌ها آنگاه که خود
را از دیگر انسان‌ها کنار می‌کشند، میان خود
و آنان مرزگذاری می‌کنند و در تنگنای
قلمروهای قومی و نژادی و جغرافیایی و
مذهبی می‌خزند. براین اساس، آنان به
پذیرش معیارهایی تن می‌دهند که به تعبیر
خودشان معیارهای تعریف و تعیین
"هویت" است. درحالی‌که این معیارها،
درواقع معیارهای تعصب و جدایی‌طلبی و
تنگ‌نظری است و نیز معیارهایی هستند در
جهت سرپوش گذاشتن به کمبودهای فردی
و یا دست‌جمعی، و نیز در جهت
صحه‌گذاری به پیشداوری‌ها، برخوردهای
خونین، پاکسازی‌های قومی و غیره
می‌باشند.

در شعر مولوی نمونه‌های فراوانی را
می‌توان دید که به زندان "هویت" و
جست‌وجوی پندآمیز آن اشاره دارند. چنین
است کسه مولوی بسه "هویت" و
"هویت‌جویی" به معنای رایج آن ریشخند
می‌زند، چون در جهان‌بینی پردامنه و
انسان‌دوستانه او انسان راستین مرز و بوم،
رنگ و بو، تبار و نژاد، متیّت و تشخص
مستقل و حتی زمان و مکان خاصی

مولوی می‌توان دریافت که در عرفان ایرانی "خودشناسی" و "اوشناسی" نه تنها بر "هویت" و "هویت‌جویی" برتری دارند، بلکه نقطهٔ مقابل این دو می‌باشند. مثلاً "خودشناسی" به شناخت کمبودهای فکری، عاطفی، روحانی و منشی مدد می‌دهد که در انسان‌ها رفتارهای نابهنجار و ناخودآگاه برمی‌انگیزند. از جملهٔ این رفتارها، پدیدهٔ "خود دفاعی" است، پدیده‌ای که براساس آن انسان در جهت سرپوش‌گذاوردن به کمبودهایش و یا در جهت نفی ناخودآگاه این کمبودها به اعتقاد جزمی به یک "هویت" شخصی یا گروهی رو می‌آورد و به آن دل خوش می‌دارد؛ حال آنکه خود او از

انگیزه‌های روانی و ریشه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی چنین اعتقادی بی‌خبر می‌باشد. در این دیدگاه "خودشناسی" و "اوشناسی" نه در جهت تأیید یک "هویت" فردی و یا اجتماعی و جدایی "من" و "او"، بلکه در جهت شناخت راستین انسان به‌عنوان عضو جداناپذیر بشریت صورت می‌گیرد، "عضو"ی که به تنهایی از هرگونه فلسفه وجودی و غایت‌گرایی انسانی بی‌بهره می‌باشد.

جان کلام، مکتب فکری و عرفانی

مولوی به ما می‌آموزد که "هویت شخصی" و یا "هویت گروهی" همچون برج عاجی است که با جای دادن انسان‌ها و دل‌ها در تنگنای خود، جهان‌بینی آنان را به حد تنگ‌اندیشی تقلیل می‌دهد، و مصاحبت و همدلی را به خود شیفتگی و بیگانگی فردی و جمعی بدل می‌سازد:

"او تو است، اما نه این تو که نیست

آن تویی که برتر از ما و من است

این توی ظاهر که پنداری تویی

هست اندر سوی و تواز بی‌سویی

توی بیگانه است، با تو این تویی

توی خود را یاب و بگذار این دویی

مولوی

آنچه مسلم است، نویسنده برای مفهوم "هویت" و کاربرد آن، کار پژوهشی خود را از فلسفهٔ غرب آغاز می‌کند تا این مفهوم را در آثار عرفانی ایرانی بسط دهد. در فلسفهٔ ارسطویی، که اثرات آن را حتی امروزه در "علوم انسانی" مغرب زمین می‌توان دید، "هویت" به‌عنوان "آنچه مطلقاً همانست که هست" تعریف می‌شود. دیوید هیوم، نخستین اندیشمند اروپایی است که مفهوم "هویت" و تصور "هویت شخصی" را از بنیان به لرزه انداخت. او با بر ملا کردن بنیاد

"او"ی برین (یا هویت آرمانی) سرانجام از دنیای مخاطرات و حتی مرگ و نیستی سر بیرون می‌آورد.

تجربه سیر و سلوک در عرفان ایرانی - اسلامی و جهان‌بینی مردان وارسته‌ای چون مولوی روانکاوی درباره "هویت" و احساس "بیگانگی من"، به ما می‌آموزد در سطح وسیع‌تری تأکید می‌کنند. در این‌جا، با در هم شدن "من" و "غیرمن" و تداخل "هستی" و "نیستی" احساس و مفهوم "هویت" به کلی از میان می‌رود، یگانگی هستی بر چندگانگی وجودی چیره می‌شود و "منیت" در پی حل شدنش در "انیت" یا در "هویت غیرمن" به سطح یک پندار واهی تقلیل می‌یابد. در این دیدگاه تصور عرفانی "فتاء فی الله" و احساس باطنی "بقا" به معنی نفی آشکار و "فنا" محض مستان منفرد است و "انالحق" حلاج و "خدایید، خدایید" مولانا زبان حال این سرانجام وجودی و عرفانی است. افسانه سیمرغ و یکی شدن مرغان (سی مرغ) در هستی یگانه او نمونه‌ای است دیگر از حل شدن تکثر در وحدت و نفی "هویت" انفرادی نیز تجربه سیر و سلوک عارفانه، افزون بر مفهوم عرفانی آن گواهی است بر این مدعا که

انتزاعی و روانی - ذهنی "هویت" آن را جز نتیجه یک مقوله احساسی و پندآمیز صرف نمی‌داند. پدیده زمان و مراتب لحظات و نیز گذار ذهنی - روانی از یک لحظه زمانی به لحظه دیگر، بدان‌گونه که فیلسوفانی چون برگسون و باشلارد و همفکران آنان مطرح می‌کنند، با مفهوم و تصور "هویت" و استمرار آن در زمان و مکان نه تنها سازگار نیستند، بلکه در تضاد بنیادی با آنها می‌باشند. در روانکاوی فروید، اشکالی از "هویت" مانند "هویت دریافت" و "هویت اندیشه"، با پدیده‌های "روانی" و "تجربه لذت‌جویی"، پیوند می‌خورند و بدین‌گونه نقش اساسی و ناخودآگاه فردی را در شکل‌گیری خود آشکار می‌کنند. در همین مکتب، جست‌وجوی هویت به معنای وسیع آن بیشتر تلاشی است در جهت پر کردن خلاء درونی، جبران جدایی "من" از "او"ی برین (یا مادر به‌عنوان نخستین الگوی کامل وجودی - عاطفی) و کوششی است ذهنی - روانی برای رسیدن به مرحله "ابر انسانی". در این دیدگاه "هویت" گاه با تصور جست‌وجوی یک چهره آرمانی در هم می‌آمیزد. در این مورد مرز میان "من" و "غیرمن" (یا او) فرو می‌ریزد و جست‌وجو

مردم‌شناسی، فلسفی و به‌ویژه مفاهیم ادبی کلاسیک پارسی می‌باشد. در واقع برای اولین بار است که با چنین برخوردی به یکی از آثار پارسی (مثنوی مولوی) پرداخته می‌شود. رسالهٔ دکترتوی وی پیش از هزار صفحه است که آن را در این کتاب گنجانده است، از این‌رو نظر دادن دربارهٔ آن کار بسیار ساده‌ای نمی‌باشد.

د) نکاتی چند پیرامون کتاب

الف) بُعد روش

روش مورد استفاده مؤلف، بر پایهٔ تحلیل روانشناختی و روانشناسی تحلیلی و روانکاری فروید است. مؤلف در مقدمهٔ خود بر کتاب یادآور می‌شود که مکتب فروید، در مقایسه با روانشناسی مذهبی و اسطوره‌گرای یونگ، در بردارندهٔ عناصر فکری و نظری عینی‌تر و مفاهیم استوار و منطقی‌تری است که ما را ناگزیر به در نظر گرفتن آنها در بررسی مسألهٔ "هویت" و "منیت" و مانند اینها می‌کند. به‌علاوه به اعتقاد او این عناصر و مفاهیم حتی در زمینهٔ بررسی آثار عرفانی و شاعرانه کلاسیک مؤثرتر و نتیجه‌بخش‌تر از مفاهیم انتزاعی مربوط به مکتب یونگ است.

جست‌وجوی "هویت" (یا اوی) برین واکنشی است روانی - روحانی در برابر دوگانگی درونی و شخصیت نامتحد سالک و اینکه او براساس آگاهی از وجود یک "هویت شخصی" ناممکن است که راه به سوی "حضور" و "وحدت" و "بقا" را در پیش می‌گیرد:

این توی ظاهر که پنداری تویی

هست اندر سوی و تو از بی‌سویی

توی بیگانه است با تو این تویی

توی خود را یاب و بگذار این دویی

مولوی

آنچه به طور خلاصه از کار پژوهشی نویسنده می‌توان برداشت کرد اینکه او کوشش می‌کند علم روانشناسی را در شعر عرفانی فارسی به کار گیرد. یعنی به کمک دانش روانشناسی آثار مولوی، این اثر ادبی پارسی، را مورد تجزیه تحلیل قرار دهد. به این ترتیب، می‌توان گفت استفاده از روش تحقیق بینش روانکاری عرفانی، نوآوری این پژوهشگر ایرانی مقیم خارج می‌باشد که وی محققانه به کمک آن به بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع موردنظر خود پرداخته است.

کتاب آقای شریعت مملو از مفاهیم

پیچیده روانشناسی، جامعه‌شناسی،

نزدیک دارد. در جهت نشان دادن این ارتباط، نویسنده نخست (در بخش‌های اول و دوم کتاب) به گفت‌وگو پیرامون احساس "هویت" در تئوری‌های فلسفی و روانشناختی می‌پردازد، و سپس (از فصل سوم تا فصل هشتم) به پیگیری و اثبات وجود این رابطه به ترتیب در فرهنگ اسطوره‌ای و عقیدتی ایرانیان در ماقبل تاریخ، در قلمرو عرفانی - شاعرانه پس از اسلام و در شعر و اندیشه مولوی می‌رسد. با نگاهی به محتوای بخش‌ها و فصل‌های گوناگون کتاب و با در نظر گرفتن اسناد و مدارک مدون فراوانی که نویسنده به منظور مستند ساختن نظرات خود به کار گرفته است، می‌توان گفت که او در اثبات فرضیه پایه‌ای و نظرات روانشناختی خود موفق بوده است.

عطا آیتی

مردم‌شناس و هماهنگ‌کننده مجله
"شرق و اروپا" در پاریس

ب) بُعد مفهومی

فرضیه پایه‌ای مؤلف را در این عبارت کلی می‌توان خلاصه کرد:
آنچه از دیرباز به‌ویژه در دوره معاصر به‌عنوان "هویت" انگاشته شده است، در واقع چیزی جز احساس و تصور یک "منیت" استوار و تغییرناپذیر نیست که در سطوح فردی و همگانی گاه حضور، تجسم و تعین می‌یابد و گاه در مقام غیبت و عدم (یا کمبود) درآمده و "جستار هویت" و انگیزه "تعین" آن را موجب می‌شود. محتوای اصلی مباحث کتاب حاضر به گفت‌وگو پیرامون این "حضور" و "غیبت" و یا "هویت‌مندی" و "جست‌وجوی هویت" در شعر عرفانی فارسی و به‌خصوص در آثار مولوی، اختصاص داده شده است. نویسنده معتقد است که شکل‌گیری احساس و تصور "هویت" و نیز "جستار هویت" با بُن‌مایه‌های عاطفی و ضمیر ناخودآگاه (در اشکال انفرادی و دسته جمعی آن) ارتباط



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی